



آسیب‌شناسی اخلاقی و وحدت‌گرایی در سیره نبوی

احمد جمالی زاده

استادیار بخش معارف دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

وحدت امت اسلامی به عنوان یک هدف آرمانی و وظیفه‌ای همگانی جایگاه با اهمیتی در منابع دینی دارد. مبانی ایمانی و اخلاقی نقشی سازنده بر وحدت‌گرایی اسلامی دارند. به همین مقیاس، صفات نفسانی و ضد ارزشی نیز عامل تهدیدکننده‌ای برای وحدت اسلامی به شمار می‌آیند. در این مقاله ضمن اشاره به مباحث و آسیب‌های وحدت‌گرایی از بعد اخلاقی، با استفاده از منابع دینی به ویژه سیره نبوی تعدادی از صفات نفسانی تهدیدکننده وحدت، یاد شده و بر لزوم پرهیز از آنها در نظام تربیتی اسلام تأکید گردیده است. در پایان این نتیجه به دست آمده که در وحدت‌گرایی رعایت اخلاق، کنترل نفسانیات و گرایش‌های خودخواهانه، نقش مهم و بسزایی دارد و در نظام تربیتی اسلام و اخلاق اجتماعی مطابق سیره نبوی باید وحدت‌گرایی به عنوان یک هدف متعالی و الزامات اخلاقی آن مورد توجه قرار گیرد.

مقدمه

عوامل انگیزشی که جنبه مادی و همگانی دارد عوامل انگیزشی معنوی مانند ایمان و باورهای دینی هماهنگ با گرایش‌های متعالی فطری، مردم را به وحدت و همگرایی پیرامون اصول اعتقادی و مبانی فطری دعوت می‌نماید و به آنچه زمینه‌ساز وحدت‌گرایی است؛ مانند محبت و

انسان‌ها به دلیل گرایش طبیعی و انس‌پذیری ذاتی و همچنین به دلیل نیازهای مادی و معنوی، به تعامل با یکدیگر می‌پردازند تا در پرتو زندگی جمعی آسان‌تر، کم‌هزینه‌تر و بهتر زندگی کنند و نیازهای خود را تأمین نمایند. در نظام دینی علاوه بر این

مهرورزی و نصیحت و خیرخواهی و ارزش‌های اخلاقی و انسانی فرا می‌خواند.

اسلام دینی است که اساس برنامه‌های خود را به روشنی بر پایه جمع‌گرایی نهاده و عنوان امت را برای پیروان خود برگزیده، تا با زبانی گویا و رسا جمع‌گرایی و اتحاد مسلمانان را اعلام دارد. علاوه بر آموزه‌های قرآنی، سخن و سیره نبوی نیز در اهتمام به اصل وحدت‌گرایی امت اسلامی کاملاً رسا و گویا و پرمعناست.

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «دو نفر بهتر از یک نفر است و سه نفر از دو نفر و چهار نفر از سه نفر بهتر است. بر شما باد به جماعت»^۱.

پیامبر خدا ﷺ فرهنگ تربیتی اسلام را به گونه‌ای معرفی می‌نماید که «اسلام» اساس وحدت اجتماعی است؛ آن حضرت در این باره می‌فرماید: «هر کس یک و جب از اجتماع فاصله گیرد و جدا شود خداوند رشته اسلام را از گردنش برگیرد»^۲.

عبادت که رابطه معنوی با خالق است و ماهیتی فردگرایانه دارد در نظام اسلامی شکل جمع‌گرایی به خود گرفته است، چنان که جنبه جمع‌گرایی و شکوه پرستش در عباداتی مانند نماز و حج کاملاً مشهود و نمایان است. قدرت و جلب عنایت الهی در

پرتو جماعت متبلور و محقق می‌شود. پیامبر خدا ﷺ در اهمیت این موضوع می‌فرماید: «دست خداوند با جماعت است»^۳ و نیز می‌فرماید: «جماعت رحمت و تفرقه و جدایی عذاب است»^۴.

از سوی دیگر انسان‌ها به دلیل تفاوت‌های طبیعی و فکری و سلیقه‌ای و همچنین به دلیل انگیزه زیاده‌خواهی و استخدام‌گری و سلطه‌جویی گاه کارشان به اختلاف و تعارض می‌گردد و اختلاف در سطح افکار و اندیشه و عقاید و رفتار و کردار آن‌ها بروز می‌نماید.

قرآن با نگاهی واقع‌بین آن دسته از اختلاف‌ها را که به تفاوت‌های طبیعی و جنبه‌های آفرینشی فرد برمی‌گردد به رسمیت شناخته، آن‌ها را لازمه زندگی بشر می‌داند؛ مانند این آیه: «هان ای مردم، همانا شما را از مردی و زنی آفریده‌ایم و شما را به هیأت اقوام و قنایلی درآورده‌ایم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید»^۵.

۱- نهج البلاغه، حدیث ۵۶، ص ۱۶۵.

۲- همان، حدیث ۲۷۶۹، ص ۷۵۱.

۳- همان، حدیث ۳۲۱۱، ص ۸۰۰.

۴- همان، حدیث ۱۳۲۳، ص ۴۳۳.

۵- بنگرید به: حجرات / ۱۳.

قرآن اما آن دسته از اختلافات را که برخاسته از هوی پرستی، حق‌کشی، رشک و حسادت، ظلم و استثمارگری باشد و اسباب منازعه و مفاخره و کشمکش و نزاع را فراهم آورد نمی‌پذیرد و آن‌ها را آفت و آسیبی برای وحدت اجتماعی می‌داند و محکوم می‌کند و مردم را از آن پرهیز می‌دهد؛ چنان‌که در بیان عامل انگیزش اختلاف و ستیزه‌جویی می‌فرماید: «و از رشک و رقابتی که با هم داشتند اختلاف پیشه کردند»^۱.

علاوه بر آموزه‌های دینی در وحدت‌گرایی، انسان‌ها به دلیل عقل حسابگر و دوران‌دیشی‌شان و با پندگیری از تجربه پیشینیان و اقوام و ملل دریافته‌اند که اختلاف و ستیزه‌جویی عامل ویرانی و مانع بهره‌وری مناسب از مواهب زندگی و باعث سلب آرامش و بروز ناامنی می‌گردد و در نهایت به زیان همه یا اکثریت تمام خواهد شد؛ از این رو زندگی اجتماعی را در پرتو قیانون برگزیده‌اند تا منافع و حقوق همگان تأمین گردد و آسیب‌ها و موانع جمع‌گرایی را از راه قانون و مجازات‌های قانونی کنترل و مهار نمایند.

بدین‌سان آشکار می‌شود در ضرورت وحدت‌گرایی، طبیعت، عقلانیت، فطرت و دیانت همسویی دارند. وحدت‌گرایی اصلی

است که انس‌پذیری ذاتی انسان و خردورزی و دوران‌دیشی، و اشتراک در امور فطری، و آموزه‌های دینی بر آن توجه، تمرکز و تأکید دارند.

وحدت‌گرایی دو جنبه اثباتی و سلبی دارد. جنبه اثباتی آن دعوت به وحدت و مؤلفه‌های اخلاقی و اجتماعی وحدت‌گرایی است و جنبه سلبی آن پرهیز از تفرقه و اختلاف ناشی از خواهش‌های نفسانی و بی‌خردی و جهالت رفتاری است. قرآن و آموزه‌های دینی و سیره نبوی هر دو وجه وحدت‌گرایی را مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند. در این مقاله به منظور آشنایی با سیره نبوی در وجه سلبی وحدت و پرهیز از فرقه‌گرایی و اختلاف، به چند اصل در وحدت‌گرایی و مواردی از سیره نبوی اشاره شده و آسیب‌های وحدت‌گرایی از بعد اخلاقی و نفسانی با تکیه بر سیره نبوی مورد توجه و بررسی اجمالی قرار گرفته است.

۱- وحدت‌گرایی، هدفی متعالی

و وظیفه‌های همگانی

خداوند در قرآن می‌فرماید: «و همگی به

رشته الهی درآویزید و پراکنده نشوید و

۱- بگرید، نه: آل عمران / ۱۹.

نعمت خداوند را بر خود یاد کنید آن‌گاه که دشمنان یکدیگر بودید، سپس [او] میان دل‌های شما الفت داد و به نعمت او با هم دوست و برادر شدید و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید و از آن بازتان رهاوند. بدین‌سان خداوند آیات خویش را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید.

و باید از میان شما گروهی منسجم و هدفمند باشند دعوتگر به خیر که به نیکی فرمان دهند و از ناشایستگی بازدارند و اینک رستگاران‌اند.

همانند کسانی م باشید که پراکنده شدند و پس از روشنگری که فرا راهشان آمد اختلاف نمودند و اینان عذابی سنگین [در پیش دارند].^۱

مهم‌ترین آیات قرآن که همه را به اتحاد و اتفاق دعوت می‌کند و نسبت به تفرقه هشدار می‌دهد آیات یاد شده است؛ خداوند علاوه بر دعوت به وحدت، به محور وحدت پایدار و مبانی آن که همان الفت و انس‌پذیری دل‌ها در پرتو ایمان الهی است اشاره می‌کند و وحدت و الفت را از نعمت‌های مهم الهی می‌شمارد که مسلمانان از آن بهره‌مند شدند و در پرتو آیات الهی به آن هدایت یافتند. خداوند لزوم وحدت و پرهیز از تفرقه را به این واقعیت تجربی مدلل می‌سازد که تفرقه و

اختلاف و نزاع و ستیزه‌جویی جامعه را بر لبه پرتگاهی از آتش قرار می‌دهد و آن را تباه و هلاک می‌سازد.

پس از توجه دادن به اهمیت و جایگاه ارزشمند اصل وحدت، حفظ و صیانت از خوبی‌ها و نیکی‌ها و پرهیز از زشتی‌ها را به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر مرتبط می‌سازد؛ که باید گروهی منسجم و هماهنگ و آگاه و هوشیار باشند تا مردم را به خیر و نیکی دعوت نمایند و از منکر و ناشایستگی باز دارند. خداوند پس از توجه دادن و تأکید نمودن به این اصل اجتماعی، در آیه بعدی مجدداً وظیفه وحدت‌گرایی را به امت اسلامی گوشزد می‌کند که در درون خود دچار تفرقه و پراکندگی و اختلاف نشوند؛ زیرا در این صورت عذابی سنگین در پیش دارند.

نکته مهم این که از ترتیب و نظم آیات سه‌گانه و توجه به محتوای آن‌ها چنین فهمیده می‌شود که یکی از مصادیق مهم معروف، وحدت‌گرایی و از موارد مهم منکر، فرقه‌گرایی و اختلاف است. بنابراین دعوت به وحدت و صیانت از آن و پرهیز از تفرقه، وظیفه‌ای همگانی است.

۱- بنگرید به: آل عمران / ۱۰۳-۱۰۵.

۲- ایمان و اخلاق از مبانی وحدت‌گرایی

وظایف اجتماعی از دیدگاه اسلام بر مبانی اعتقادی و اخلاقی استوار است؛ چنان که وظایفی مانند حکومت و امر به معروف و نهی از منکر بر پایه ولایت و محبت و اخوت دینی بنا شده است. در نظام اسلامی حاکمیت، یا واژه ولایت و مشتقات آن تعریف شده و مبنای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نیز بر پایه ولایت و دوستی میان مؤمنان قرار داده شده است که بیانگر این نکته است که روح حاکمیت و وظایف اجتماعی دینی بر محبت و ولایت و پیوند و ارتباط نزدیک میان مردم قرار دارد، نه بر پایه تحکم و تحمیل عقیده و اندیشه بر دیگران. خداوند در آیه زیر ولایت میان مؤمنان را پایه امر به معروف و نهی از منکر معرفی نموده است: «و فردان و زنان مؤمن دوستان همدیگرند که به کارهای پسندیده و امانت‌داری می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند»^۱ در آیه دیگری پیوند اخوت و برادری میان مسلمانان و لزوم صلح و آشتی در جامعه اسلامی را بیان می‌دارد و می‌فرماید: «همانا مؤمنان [مسلمانان] برادرند؛ پس میان برادران آشتی برقرار سازید و از خداوند پروا کنید؛ باشد که مشمول رحمت شوید»^۲

بدین‌سان رابطه ولایی و عاطفی میان مسلمانان مبنای وظایف اجتماعی از جمله امر به معروف و نهی از منکر و صلح و آشتی معرفی شده است. همچنین مبنای وحدت‌گرایی و اصل نظارت همگانی نیز ولایت و محبت و همبستگی و همدلی میان اهل ایمان ذکر شده است.

هر اندازه مبانی اعتقادی و عاطفی مردم با ایمان قوی‌تر و عمیق‌تر باشد وحدت اجتماعی امت اسلامی پایدارتر است و هر چند این پایه‌ها لرزان‌تر باشد وحدت اجتماعی آسیب‌پذیرتر است. قوی‌ترین و سالم‌ترین و پایدارترین پیوند اجتماعی پیوندی است که بر اساس ایمان و باورهای اصیل دینی و اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی و احساس همبستگی در پرتو رعایت حقوق اساسی و عدالت‌ورزی باشد. ایمان به خداوند پایه و اساس همه ارزش‌ها و عوامل تحول و انقلاب درونی انسان‌ها به سوی این هدف‌هاست. صفات عاطفی مانند محبت، انس و الفت، مهر و رحمت، خیرخواهی و نصیحت و صلح و مسالمت از آثار ارزشمند ایمان به خداوند است که کارکردی اجتماعی

۱- بنگرید به: توبه / ۷۱.

۲- بنگرید به: حجرات / ۱۰.

دارند. همچنین اصول ارزشمند اخلاقی مانند حلم و بردباری، صبر و خویشتنداری از محکم‌ترین مؤلفه‌های اخلاقی و از استوارترین مبانی وحدت‌گرایی‌اند. وحدت‌گرایی فرایند فرهنگی، تربیتی و اخلاقی است و با دستور و شعار و تحمیل و تحکم محقق نمی‌شود. پیامبران الهی نیز که مأموریت وحدت‌گرایی و رفع اختلاف و نزاع‌ها را برعهده داشتند با شیوه آموزشی و تربیتی به این مهم اقدام نمودند و نخواستند نزاع‌ها و اختلاف‌ها را با تحمیل و تحکم کم کنند یا برطرف نمایند و اصولاً در جایگاه تحکم و تکلف نیروند.

۲- موانع وحدت‌گرایی نفسانی است نه نظری در منطقی قرآن تفاوت‌های فکری و دینی مانع وحدت‌گرایی نیست؛ زیرا اصول فکری و دینی مشترک میان انسان‌ها آنقدر فراوان است که چنانچه با رویکردی عقلانی و اخلاقی همراه باشد می‌تواند پایه و اساس وحدت‌گرایی باشد. چشم‌انداز وحدت‌گرایی از دیدگاه قرآن چنان گسترده است که حتی اهل کتاب و پیروان سایر ادیان را به وحدت و کنار هم آمدن دعوت می‌کند و می‌فرماید:

«بگو ای اهل کتاب بیایید تا بر سر سخنی

که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ گونه شریکی نیابیم و هیچ کس از ما دیگری را به جای خداوند به خدایی نگیرد.»^۱

از منظر قرآن، وحدت و رفع اختلاف به معنای نفی تفاوت‌ها نیست، بلکه با وجود تفاوت‌ها می‌توان به تفاهم و وحدت رسید. مانع وحدت‌گرایی در مرحله اول گرایش‌های سودجویانه و نفسانیات نه اندیشه‌ها و تفاوت‌های فکری. همگان در مرحله اندیشه و بینش، وحدت‌گرایی و لزوم و اهمیت آن را پذیرفته‌اند و آثار و نتایج ارزشمند وحدت را می‌دانند و در مرحله سخن نیز به آن دعوت می‌کنند، اما در عمل راهی بجز راه وحدت می‌روند و به تفرقه و ستیزه‌جویی دچار می‌شوند. علت چیست؟ قرآن عامل تفرقه‌گرایی را بغی و سرکشی، رشک و رقابت که جنبه نفسانی دارد می‌داند و می‌فرماید: «در آن اختلاف نکردند مگر کسانی که آن [کتاب] به آنان داده شده و آن هم از رشک و رقابتی که با هم داشتند پس از آن که برهان‌های روشن برایشان آمد.»^۲

همچنین می‌فرماید: «و تفرقه پیدا نکردند

۱- بنگرید به: آل عمران / ۶۴

۲- بنگرید به: بقره / ۲۱۳

مگر پس از آن که علم [وحی] برایشان آمد
آن هم از روی رشک و رقابتی که در میانشان
بود.^۱

حضرت علی علیه السلام در تبیین ریشه‌های
نفسانی اختلافات و فتنه‌های اجتماعی و
آسیب‌شناسی اخلاقی وحدت‌گرایی چنین
می‌فرماید: «همانا شما برادر یکدیگر
هستید؛ چیزی جز درون پلید و نیت زشت
شما را از هم جدا نساخته است، نه یکدیگر
را یاری می‌دهید و نه خیرخواه یکدیگرید و
نه برای یکدیگر می‌بخشید و نه با یکدیگر
دوستی می‌کنید.»^۲

حضرت علی علیه السلام عامل نفسانی را منشأ
فتنه‌ها معرفی می‌کند و می‌فرماید: «همانا
آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هوی پرستی و
بدعت‌گذاری در احکام الهی است.»^۳

آن‌گاه به مردم هشدار می‌دهد و
می‌فرماید: «پس سعی کنید شما پرچم فتنه‌ها
و نشانه‌های بدعت‌ها نباشید و آنچه را که
پیوند امت اسلامی بدان استوار است و
پایه‌های طاعت بر آن پایدار است بر خود
لازم شمارید.»^۴

نتیجه آن که بیشتر جدال‌ها و منازعات و
اختلاف‌ها و فرقه‌گرایی و ستیزه‌جویی‌ها در
میان مردم از سر بغی و کینه و تنگ‌نظری و به
خاطر افزون‌طلبی‌هاست.

فرقه‌گرایی پیامی شیطانی

تفرقه‌گرایان و وحدت‌گريزان دعوت
شیطان را پاسخ داده‌اند و در دام او گرفتار
شده‌اند. خداوند مردم را به اتحاد و اتفاق
دعوت می‌کند، ولی شیطان به دنبال ایجاد
کینه و دشمنی و تفرقه‌افکنی میان مردم
است. برخی گناهان دام شیطان برای ایجاد
عداوت و دشمنی است؛ چنان که خداوند
می‌فرماید: «همانا شیطان می‌خواهد با
شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه بیندازد
و شما را از یاد خداوند و از نماز باز دارد. آیا
دست برآورد هستید؟»^۵

سیاست و تدبیر شیطان در فریب
انسان‌ها و افکندن آن‌ها در دام اختلاف،
استفاده از روش کزازگذاری رشک و
حسادت‌ورزی در دل‌ها و پرورش و تبدیل
آن به کینه و دشمنی‌ها و بهره‌وری از نتیجه آن
به صورت اختلافات و فتنه‌گری‌هاست. امام
علی علیه السلام در تمثیلی جالب و گویا و
تحلیل‌گونه، نقش پنهان شیطان را در ایجاد

۱- بنگرید به: شوری / ۱۲.

۲- نهج البلاغه. خطبه ۱۱۳. ص ۲۱۸.

۳- نهج البلاغه. خطبه ۵۰. ص ۱۰۲.

۴- همان. خطبه ۱۵۱. ص ۲۷۸.

۵- بنگرید به: مانده / ۹۱.

ستیزه جویی و نزاع چنین بیان می فرماید:
«منحرفان شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آن‌ها را در دام خود قرار داد و در دل‌های آن‌ها تخم گذارد و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد.»^۱

خداوند در اهمیت شیطان‌شناسی و پرهیز از رفتارهای انحرافی به مردم هشدار می دهد و می فرماید: «از گام‌های شیطان پیروی مکنید که او دشمن آشکار برای شما است.»^۲

امام علی علیه السلام در استمرار هشدار قرآن در پرهیز از راه شیطان می فرماید:

«بدانید این شیطان است که راه‌هایش را هموار می نماید تا قدم بر جای قدم‌هایش نهید و راهش را پی‌گیری کنید.»^۳ و در ادامه می فرماید: «همانا شیطان راه‌های خود را به شما آسان جلوه می دهد تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی بر پراکندگی شما بیفزاید.»^۴

فتنه‌ها و آشوب‌های خونین و شکننده و بازدارنده‌ای مانند جنگ جمل و نهروان که در دوران خلافت امام علی علیه السلام بر پا شد، از دیدگاه آن حضرت پاسخ دعوتی بود که آن‌ها به پیام شیطان دادند. حضرت علی علیه السلام در مورد اصحاب جمل می فرماید: «آگاه باشید

که شیطان حزب خود را جمع کرده و سواره‌ها و پیاده‌های لشکر خود را فرا خوانده است.»^۵

همچنین در مورد خوارج می فرماید: «امروز شیطان آن‌ها را به تفرقه دعوت کرد و فردا از آن‌ها بیزاری می جوید.»^۶

در این جا به تعدادی از صفات نفسانی و رفتارهای اخلاقی اشاره می شود که بستر نفوذ شیطان در تحریک‌پذیری انسان در ایجاد اختلاف و تفرقه و مستیزه و فتنه‌گری‌های اجتماعی می باشد و می توان آن‌ها را مبانی درونی اخلاقی در تفرقه‌گرایی و اختلاف‌پذیری دانست و در واقع گام‌های فریبنده و تدریجی شیطان و راهبردهای انحرافی او در ایجاد دشمنی و اختلاف و ستیزه‌جویی و جدال‌گرایی به شمار می آید.

الف - خودخواهی و تعصب‌ورزی

در قرآن می خوانیم: «چنین بود که کافران در دل‌هایشان حمیت (تعصب) جاهلیت

۱- نهج البلاغه، خطبه ۷، ص ۵۲

۲- بنگرید به: بقره / ۲۰۸.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص ۲۵۸.

۴- همان، خطبه (۱۲)، ص ۲۳۰.

۵- همان، خطبه ۱، ص ۵۴.

۶- همان، خطبه (۱۸)، ص ۳۴۴.

پروراندند، ولی خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.^۱

یکی از موانع جدی در دستیابی به وحدت اجتماعی پایدار و سازنده وابستگی‌های قومی و تعصب‌ورزی‌های نامعقول و غیر منطقی است. تعصب‌ورزی نامعقول و غیر اخلاقی عبارت است از وابستگی به اصل و نسب و حسب و نژاد و قوم خویشان و نزدیکان، با این که کار و رفتار آنان نادرست است، به گونه‌ای که افراد به خاطر پیوند خویشاوندی، مهر و قهر، لبخند و خشم از خود بروز دهند و بدون منطق حق به حمایت نامعقول از یکدیگر برخیزند.

پیامبر خدا ﷺ به شدت مردم را از عصبیت و حمایت جاهلانه و تحریک‌پذیری بی‌خبرانه برحذر می‌داشت و می‌فرمود: «از ما نیست هر کس به عصبیت فراخواند و به خیاطر عصبیت مبارزه کند و با روحیه عصبیت بمیرد.»^۲

تعصب‌های قومی و نژادی در تعارض با هدف آرمانی پیامبر خدا ﷺ بود که برای تشکیل امت اسلامی تلاش می‌کرد. وابستگی به قومیت‌ها در گذشته و وابستگی‌های جناحی در امروز از جمله عوامل زمینه‌ساز تفرقه و اختلاف می‌باشد؛ زیرا مانع پیوند محبت‌آمیز و انس و الفت

اجتماعی می‌گردد؛ چنان که ترجیح اندیشه قومی و جناحی بر منافع کلی و عمومی و ارزش‌های دینی مانع از وسعت عمومی و ارزش‌های دینی می‌گردد و بدین سبب یکی از عوامل فرقه‌گرایی و یکی از موانع وحدت‌گرایی اجتماعی و تشکیل امت اسلامی است.

منطق اسلام منطق ایمان و ارزش‌های اخلاقی و معنوی و دانایی و فضیلت و تقوا و پرهیزکاری است نه تعصب‌ورزی و خودخواهی و قوم‌گرایی. حضرت علی علیه السلام تعصب‌ورزی را صفت و کار شیطان می‌داند و می‌فرماید: «شیطان دشمن خدا و پیشوای متعصبان و سرسلسله متکبران است که اساس عصبیت را بنا نهاد.»^۳

آن حضرت پیروان شیطان را کسانی می‌داند که این خصوصیات را دارند: «فرزندان خودپسندی و برادران تعصب و خودخواهی و سواران مرکب جهالت و خودپرستی، او [شیطان] را تصدیق کردند.»^۴

۱. بنگرید به: فتح / ۲۶.

۲. ناصف، التاج، ج ۵، ص ۲۶.

۳. نفع البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۸۰.

۴. همان، ص ۳۸۲.

ب- تکبر و خودبرتربینی

رسول خدا ﷺ می فرماید: «از تکبر پرهیزید؛ زیرا بنده همین که به تکبر خو گرفت خداوند می گوید این بنده را در شمار گردنکشان به شمار آرید.»^۱

یکی از رذائل اخلاقی که کارکرد منفی اجتماعی دارد و منشأ افتراق و جدایی و نزاع و ستیزه جویی می گردد روحیه خود بزرگ بینی و رفتار متکبرانه و خودخواهانه است که موجب می شود تا بین افراد جامعه فاصله و جدایی افتد و وحدت اجتماعی را درهم می ریزد و به فرقه گرایی و اختلاف منتهی می شود. به همان اندازه که ارزش های اخلاقی و پایبندی به آنها مانند تواضع و فروتنی و رفتار خودمانی و محبت آمیز در تثبیت وحدت اجتماعی تأثیر دارد، آفات اخلاقی که بر محور خودخواهی و فردگرایی ناپسند می چرخد، مانند تکبر و تفاخر در تخریب وحدت اجتماعی تأثیر دارد و منشأ رقابت های نادرست و ویرانگر می گردد و به روح جمع گرایی و وحدت اجتماعی آسیب می رساند.

پیامبر خدا ﷺ تکبر را از اوصاف شیطان می شمارد و می فرماید: «از تکبر پرهیزید که شیطان به واسطه تکبر از سجده آدم دریغ کرد و از حرص بگریزد که آدم به واسطه

حرص از میوه درخت بخورد و از حسد دور مانید که قایل به واسطه حسد هابیل را کشت. بنابراین تکبر و حرص و حسد سرچشمه همه گناهان است.»^۲

امام علی علیه السلام نیز با توجه به نقش تخریبی و ویرانگر تکبر در روابط اجتماعی و ایجاد کینه و دشمنی و اختلاف و فتنه گری می فرماید: «خدا را خدا را از تکبر و خودپرستی و از تفاخر جاهلی پرهیزید که جایگاه بغض و کینه و رشد و وسوسه های شیطانی است.»^۳

صفات نفسانی و رذایل اخلاقی همانند تکبر و مفاخره در صورتی که کنترل و مهار نشوند در فضای اجتماعی عامل تشدید بحران ها و اختلافات و موجب کشمکش ها و ستیزه جویی ها و تشدید فضای رقابتی نامعقول می گردند و فتنه و فساد و ویرانی و ناامنی مضاعف را به دنبال می آورند.

ج- حسادت و بددلی

در قرآن می خوانیم: «و چیزی که خداوند بدان بعضی از شما را بر دیگران برتری

۱- نوح النصاحه، حدیث ۶۰.

۲- نوح النصاحه، حدیث ۹۹۷، ص ۳۵۴.

۳- نوح البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۸۴.

بخشیده است آرزو مکنید»^۱

از جمله آسیب‌های اخلاقی
وحدت‌گرایی گرفتار شدن در آفات اخلاقی
مانند حسادت و بددلی نسبت به دیگران
است، به ویژه اگر جنبه اجتماعی پیدا نماید و
به وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی مربوط
شود.

همان‌گونه که نصیحت و خیرخواهی از
مؤلفه‌های وحدت‌گرایی است، بدخواهی و
حسادت از آفات دوستی و مهرورزی و در
نتیجه از آسیب‌های وحدت‌گرایی به شمار
می‌آید و عامل بی‌رغبتی و رویگردانی افراد
از یکدیگر و چه بسا باعث کینه‌توزی و
دشمنی و در نتیجه اختلاف و ستیزه‌جویی
می‌گردد. رشته محبت، انس و الفت در
فضای تیره و تلخ حسادت و کینه‌توزی از هم
می‌گسلد و وحدت اجتماعی و همگرایی و
همسویی و همدلی که شاخصه امت اسلامی
است آسیب می‌بیند.

حسادت رقابتی ناسالم و ویرانگر و منشأ
کارهای منفی و رفتارهای نامعقول و ردائیل
اخلاقی دیگر مانند غیبت و افترا و تهمت به
رقیب می‌باشد. با توجه به آثار منفی و
کارکرد ویرانگر رفتار حسودانه، پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حسد مورزید و در
معامله بالا دست هم نزنید، دشمنی مکنید و

راه خلاف و جدایی مپوید. بندگان خدا،
برادران هم باشید، عیبجو، مدحگو و طعنه
زن مآشید»^۲

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همچنین می‌فرماید: «به
یکدیگر حسد مورزید و با هم دشمنی نکنید
و از یکدیگر جدا نشوید. بندگان خدا،
برادران یکدیگر باشید همان‌گونه که خداوند
دستورتان داده است»^۳

امام علی علیه السلام نیز در مورد نقش حسد در
ایجاد دشمنی و ستیزه‌جویی و اختلاف
می‌فرماید: «شما مانند قایل نباشید که بر
برادرش تکبر کرد، خدا او را برتری نداد،
خویشان را بزرگ می‌پنداشت و حسادت او
را به دشمنی و داشت و تعصب آتش کینه در
دلش شعله‌ور کرد»^۴

د- بدگمانی و بدپنداری

خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای مؤمنان
از بسیاری از گمان‌ها پرهیز کنید، چرا که
بعضی از گمان‌ها گناه است»^۵

۱- بنگرید به: نساء / ۳۲.

۲- نهج الفصاحة، حدیث ۲۴۴۲، ص ۶۶۸.

۳- همان، حدیث ۱۹۷۶، ص ۵۷۲.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۸۴.

۵- بنگرید به: حجرات / ۱۲.

یکی دیگر از آفات اخلاقی که سبب ایجاد فضای بی‌اعتمادی در جامعه می‌گردد و افراد جامعه را به هم حساس می‌سازد و موجب بدبینی می‌شود گمان و پندار نادرست نسبت به یکدیگر است. در فضای بدگمانی، ابهام و شبهه‌افکنی، فتنه‌گرایی و اختلاف و جدایی رواج و گسترش می‌یابد و افراد جامعه را نسبت به مسائل اصلی جامعه بی‌تفاوت کرده، زمینه را برای آشوب و فتنه‌گری دشمنان زیرک فراهم می‌سازد. در این شرایط، افراد زیرک با هدف‌های شیطانی با سخنان و تحلیل‌های گمراه‌کننده در ناموزون ساختن فضای فرهنگی و اخلاقی و اجتماعی و ایجاد بدبینی می‌کوشند. در چنین وضعیتی، واقعیت‌ها پنهان، اندیشه‌ها حیران، دل‌ها سرگردان، تصمیم‌ها لرزان و فضای اجتماعی ناموزون شده، وحدت اجتماعی و منافع عمومی در معرض خطر و زیان قرار می‌گیرد.

راه مبصورت‌سازی جامعه از این آسیب‌ها و آفات، تربیت اخلاقی به شیوه‌ای است که فضای بدگمانی از بین برود و فضای خوش‌پنداری و حسن ظن رواج یابد. پیامبر خدا ﷺ در این مورد می‌فرماید: «از بدگمانی به مردم خود را نگه دارید»^۱

همچنین می‌فرماید: «از گمان دور باشید؛

زیرا گمان بد، دروغ‌ترین سخن است. خبرهای یکدیگر را دنبال نکنید و راجع به کارهای یکدیگر تجسس نکنید، بر یکدیگر خیلی سخت نگیرید، به یکدیگر حسادت مورزید، با هم دشمنی نکنید، به یکدیگر پشت نکنید و با هم اختلاف نداشته باشید. ای بندگان خداوند برادر یکدیگر باشید»^۲

هـ- آسیب‌های گفتاری

در قرآن می‌خوانیم: «ای مؤمنان از خداوند پروا کنید. سنجیده و استوار سخن بگویید، تا کارهایتان به صلاح درآید»^۳

زبان نماینده افکار و اندیشه‌ها و گرایش‌ها و خواسته‌های انسان است و همانند آینه‌ای است که شخصیت فکری و اخلاقی انسان را منعکس ساخته می‌نمایند و همچنین وسیله ارتباط، تعامل و تفاهم انسان‌ها با یکدیگر است. زبان گفتار، همچنین زبان اندیشه یعنی قلم و نوشتار، نقش اساسی در رفتارهای اجتماعی انسان دارد و می‌تواند نقشی مثبت و سازنده و هم تخریبی و ویرانگر داشته باشد. از این رو

۱- نبح الفصاحه، حدیث ۸۹، ص ۱۷۰.

۲- التاج، ج ۵، ص ۲۹۵.

۳- بگردید به: احزاب / ۷۰ و ۷۱.

رهایی زبان یا کنترل و مهار زبان اعم از گفتار و نوشتار، نقشی مؤثر در وحدت اجتماعی دارد. به لحاظ اهمیت آن، با توجه به عنوان مقاله، به تعدادی از آسیب‌های زبانی در تخریب وحدت اجتماعی با استفاده از سخن نبوی اشاره می‌شود.

۱- جدل و تمراء: یکی از آسیب‌های زبانی در تخریب وحدت اجتماعی، گفت‌وگوهای بی‌ضابطه نه به قصد حق‌جویی است که مرء نامیده می‌شود. هدف در مرء برتری‌جویی است نه حق‌جویی. مرء نشانه تنگ‌نظری است و عوامل نزاع‌های جدید و کشمکش‌های فرساینده و گسترش‌کینه و دشمنی می‌گردد؛ از این رو فرموده‌اند: «مرء را ترک کن گر چه در حق باشی»^۱

در مرء حق هویدا نمی‌شود، بلکه لگدکوب و پایمال می‌گردد؛ چنان‌که پیامبر اسلام ﷺ در نکوهش مرء می‌فرمود: «هر کس در مناقشه‌های بدون علم مرء کند در خشم خدا باشد تا دست بردارد»^۲

۲- عیب‌جویی: خداوند می‌فرماید: «در میان خویش عیب‌جویی مکنید و یکدیگر را به لقب‌های زشت و بد نخوانید»^۳

عیب‌جویی زمینه‌ساز و روش‌گاه اختلاف از جنس مخاصمه مذموم و بهانه‌ای برای رفتارهای ناستجیده و غیر معقول است

و در آن قصد اصلاح‌گری و رفع عیوب نیست و اگر نه قصد اصلاح‌گری باشد باز هم روش عیب‌جویی نادرست است. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «عیب‌جو و مدح‌گو و طعنه‌زن مباشید»^۴

۳- سخن‌چینی: یکی دیگر از آسیب‌های گفتاری و اخلاقی در مسموم کردن فضای اجتماعی و ایجاد اختلاف، سخن‌چینی است. پیامبر خدا ﷺ در تعریف آن می‌فرماید: «سخن‌چینی این است که خبری از مردم به بعضی دیگر دهد تا ایشان را تباه بیازد»^۵

۴- بدزبانی: در قرآن می‌فرماید: «و کسانی را که به جای خداوند می‌پرستند دشنام ندهید که از سر دشمنی و نادانی خداوند را دشنام می‌دهند»^۶

بدزبانی عامل تشدیدکننده نزاع‌هاست؛ چون وقتی دشنام شروع شد متوقف نمی‌شود و در جایی نمی‌ایستد. پیامبر خدا ﷺ که خود نمونه والایی از اخلاق

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۹.

۲- نبع النصاحه، حدیث ۲۸۶۵، ص ۷۴۲.

۳- بنگرید به: حجرات / ۱۱.

۴- نبع النصاحه، حدیث ۲۴۴۲، ص ۶۶۸.

۵- همان، حدیث ۳۰، ص ۱۱۶.

۶- بنگرید به: انعام / ۱۰۸.

پسندیده و گفتار نیکو بود در زشتی بدزبانی و پرهیز از آن می فرماید: «خداوند سخن بدگو و بدزبان را دشمن دارد»^۱

همچنین می فرمود: «بدگویی و بدزبانی از صفات اسلام نیست و اسلام آن کس از همه نیکوتر است که اخلاقش نیکوتر باشد»^۲

امام علی علیه السلام نیز در اوصاف پرهیزکاران و پارسایان می فرماید: «از سخن زشت دور و گفتارش نرم و بدی های او پنهان و کار نیکش آشکار است»^۳

هم مفاخره: خداوند می فرماید: «ای مردم شما را از مردی و زنی آفریدیم و به صورت گروه و قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را باز شناسید»^۴

راز تفاوت ها در آفرینش انسان معارفه و باز شناسی افراد است نه مفاخره و فخر فروشی بر یکدیگر؛ یکی از آسیب های زبانی که وحدت اجتماعی را مورد تهدید قرار می دهد و موجب نزاع و اختلاف و عامل جدال و کشمکش ها می گردد فخر فروشی به مال و دارایی و نسب و حسب و مقام و موقعیت است. مفاخره رفتاری است که بازتاب منفی در روابط اجتماعی دارد و فرایندی تشدید می به دنبال می آورد؛ یعنی مفاخره عامل مفاخره جدید در طرف مقابل می گردد و گونه ای بیماری اخلاقی به شمار

می آید که با فشاری بر آن، بیماری را تشدید و مضاعف می سازد و از این جهت اگر کنترل و مهار نشود موجب نزاع و جدال جدید و جدایی دل ها از همدیگر می شود و دامی است که شیطان برای شکار انسان گسترده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «شیطان دام ها و تله ها دارد و از جمله دام ها و تله های وی این است که از نعمت های خدا مغرور شوند و به بخشش های او تفاخر کنند و با بندگان خدا تکبر کنند و از خواهش ها و گرایش های غیر خدایی پیروی نمایند»^۵

عز غیبت: در قرآن می خوانیم: «و کسی اثر شما از دیگری غیبت نکند»^۶

ملاک فضیلت اخلاقی و ارزش صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی این است که به زندگی اجتماعی آرامش می بخشد و از تعارض های اجتماعی می کاهد؛ مانند راستگویی و حلم و بردباری. در مقابل، ملاک رذیلت های اخلاقی از بعد اجتماعی این است که بر تعارض های اجتماعی و

۱- نهج النصاحه، حدیث ۷۴۴، ص ۳۰۵.

۲- همان، حدیث ۶۶۲، ص ۲۸۶.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، ص ۴۰۴.

۴- بنگرید به: حجرات / ۱۳.

۵- نهج الفصاحه، حدیث ۸۸۲، ص ۳۲۲.

۶- حجرات / ۱۲.

منازعات می‌افزاید. غیبت به لحاظ اجتماعی، شروع یک فرایند زشت اخلاقی است که امنیت اخلاقی را به هم می‌ریزد و آسیبی جدی برای وحدت اجتماعی به شمار می‌آید. در آموزه‌های دینی و در سخن و سیره نبوی از غیبت به شدت نکوهش شده است و در این جا تنها به دو سخن از پیامبر خدا ﷺ اشاره می‌شود.

آن حضرت می‌فرماید: «زبان خود را از بدگویی به مسلمانان بازدارید و اگر کسی مُرد درباره او به نیکی یاد کنید.»^۱

همچنین می‌فرماید: «غیبت مسلمانان نکنید و در جست‌وجوی عیوب آنان نباشید.»^۲

اخلاق اساس وحدت‌گرایی

امت عنوانی است که در قرآن و سنت بر جامعه اسلامی نهاده شده و بر حسب تعریفی که از آن ارائه شده مجموعه‌ای از افراد است که از تعارض و ستیزه‌جویی به دورند. امت اسلامی همگان در امور اجتماعی و سرنوشت خود شرکت دارند، همه می‌گویند، می‌شنوند و با هم گفت‌وگو می‌کنند، طرح و پیشنهاد ارائه می‌دهند و همدیگر را تکمیل و تصحیح می‌کنند و تخریب نمی‌کنند. همگان می‌کوشند از راه

ترویج فضائل اخلاقی، مانند حلم و بردباری، توصیه به حق و توصیه به صبر و عدل و راستگویی و پرهیز از ستیزه‌جویی و نزاع و جدال، به جامعه خود اعتدال و آرامش ببخشند و اختلاف و تعارض را چنانچه پیش آید از راه کنار هم آمدن، با هم نشستن و برخاستن و گفت‌وگوی عقلانی و تفاهم‌آمیز حل کنند. رفتار پیامبر ﷺ مطابق با آموزه‌های قرآنی در وحدت‌گرایی و امت‌سازی پیش از آن‌که آموزشی باشد، اخلاقی و تربیتی بود؛ چنان‌که مطالعه سیره نبوی در این زمینه کاملاً گویا و روشن است. همچنین توصیه قرآن در جلوگیری از نزاع و تعارض و در وحدت‌گرایی به اصل خویش‌تنداری معطوف است و این پیام اخلاقی اجتماعی از این آیه شریفه قرآن به روشنی و رسایی به گوش می‌رسد:

«ای مؤمنان صابر و خویش‌تندار باشید (اصبروا) و در برابر دشمنان و آزارها از دیگران، یکدیگر را توصیه به صبر کنید که آنها از شما صبرتر نباشند (صابروا) و با یکدیگر پیوند و ارتباط داشته باشید (رابطوا). تقوای الهی پیشه کنید؛ باشد که

۱- نهج الصالحه، حدیث ۲۶۴، ص ۲۰۵.

۲- همان، حدیث ۲۶۷، ص ۶۷۳.

رستگار شوید»^۱

منظور از «اصبروا» توصیه به شکیبایی فردی در مقابل ناملازمات است و هدف از «صابروا» توصیه به صبر و تحمل اجتماعی و عمومی و همگانی است که افراد جامعه در برابر آزار و ناخوشی‌های اجتماعی که پیش می‌آید نسبت به یکدیگر صبر و تحمل داشته باشند و منظور از «ارباطوا» ارتباط اجتماعی از نظر نیرو و توان و تلاش در تمام شئون زندگی دینی است.^۲

در سخنی پیامبر خدا ﷺ به اصل معاشرت و ارتباط و صبر و بردباری و خویش‌تنداری به عنوان یک اصل اجتماعی و رفتار دینی و اسلامی اشاره کرده و فرموده است:

«مسلمانی که با مردم آمیختگی و معاشرت دارد و بر آزار و اذیت آن‌ها صبر می‌نماید بهتر است از مسلمانی که با مردم آمیختگی و معاشرت ندارد (انزوا طلب است) و بر آزار آن‌ها صبر و بردباری می‌نماید»^۳

زمینه‌سازی برای وحدت‌گرایی و پرهیز از اختلاف، به توصیه‌های کلی در امور اجتماعی و همکاری در نیازهای عمومی منحصر نمی‌شود. پیامبر خدا ﷺ در کوچک‌ترین و به نظر کم‌اهمیت‌ترین کارها به

رفع اختلاف توجه می‌نمود و از این راه درس انضباط اجتماعی و پرهیز از اختلاف و ایجاد وحدت نیز به مسلمانان می‌داد.

این بحث را با سخنی جامع از پیامبر اکرم ﷺ در لزوم وحدت‌گرایی و مبانی آن از داشتن اخلاص و نصیحت و خیرخواهی به پایان می‌بریم. رسول خدا ﷺ فرمود: «سه چیز است که هرگز دل مسلمان در مورد آن‌ها نمی‌لغزد و خیانت نمی‌کند: عمل را خالصانه برای خداوند انجام دادن، برای پیشوای مسلمان خیرخواه بودن، و با جماعت مسلمانان همراهی و ملازمت داشتن»^۴

سخن پایانی

از آنچه گذشت می‌توان نکات زیر را نتیجه گرفت:

۱- وحدت‌گرایی در آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی به عنوان یک هدف اخلاقی و تربیتی شناخته می‌شود و باید به وحدت‌گرایی و پرهیز از فرقه‌گرایی به عنوان یک کار اخلاقی و تربیتی و عملی نگاه شود

۱- بنگرید به: آل عمران / ۲۰۰.

۲- تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۹۲.

۳- التاج، ج ۵، ص ۵۱.

۴- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۳.

توسعه علم
۱۳۸۶

نه در حد توصیه و شعار.

دعوت به وحدت‌گرایی و تحقق امت اسلامی به بسترها و زیرساخت‌های تربیتی و اخلاقی و اجتماعی نیاز دارد و تا این زیر ساخت‌ها فراهم نشود وحدت عملی تحقق نمی‌یابد.

۲- وحدت‌گرایی از بعد معرفتی و اخلاقی و تربیتی کاری دو وجهی است؛ یعنی هم جنبه ایجابی دارد و هم جنبه سلبی. در جنبه ایجابی علاوه بر مبانی معرفتی اعتقادی باید به مؤلفه‌های اخلاقی آن مطابق آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی توجه کنیم. و در جنبه سلبی نیز به آفات و آسیب‌های اخلاقی مانند آنچه در متن مقاله گذشت توجه داشته، از آن‌ها پرهیز کنیم؛ چون توجه به مؤلفه‌های اخلاقی در وحدت‌گرایی و پرهیز از عوامل شکستنده وحدت در تحقق امت اسلامی مکمل یکدیگرند.

۳- اگر از بعد اجتماعی به فضائل و رذائل اخلاقی توجه کنیم، درمی‌یابیم که ملاک ارزشمندی فضائل اخلاقی نقش و کاربرد آن‌ها در رفع تعارض و نزاع از جامعه است و نشانه پستی رذائل اخلاقی مانند عصبیت، تفاخر، تکبر، حقد و حسد آثار منفی اجتماعی آن‌هاست که وحدت امت اسلامی را با شکستگی روبه‌رو می‌سازد و از این‌رو زشت و ناپسند شمرده شده. بدین‌سان

می‌توان گفت: صفا و صمیمیت، وحدت و آرامش از ویژگی‌های بهشتیان است که وارد دارالسلام می‌شوند^۱. در مقابل، نزاع و خصومت و دبتبستی از صفات جهنمیان است؛ چنان‌که خداوند در وصفشان فرموده است: «این مجادله اهل آتش قطعاً راست است»^۲.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه بنیاءالدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دوستان، ۱۳۸۲.
- ۲- حرّ عاملی، محمّد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، اسلامیّه، ۱۴۰۳ق.
- ۳- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۴ق.
- ۴- فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البیضاء، قم، انتشارات اسلامی.
- ۵- کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت دارالتعارف.
- ۶- ناصف، منصور علی، الشاح الجامع للاصول فی احادیث الرسول، چاپ چهارم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
- ۷- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات ائمه، ۱۳۷۹.
- ۸- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم ﷺ)، ترجمه و گردآوری ابرالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران، جاویدان، ۱۳۷۶.

- ۱- بنگرید به: انعام / ۱۲۷.
- ۲- بنگرید به: ص / ۶۴.